

وقف؛ بدیل سیاست اجتماعی پست مدرن

فاطمه عموعبداللہی*

رضا حاجی ابراهیم**

چکیده

نظام‌های رفاهی در جوامع پیشرفته، پس از پشت سر گذاشتن مراحل تکامل خود، اکنون در مرحله‌ای تازه به سر می‌برند که از آن به‌عنوان دوران پست‌مدرن نظام‌های رفاهی یاد می‌شود. این دوران، با داشتن مؤلفه‌های ویژه که برآمده از کاستی‌های نظام‌های مدرن رفاهی است، چشم‌انداز جدیدی از رفاه اجتماعی را در برابر دولت‌ها نمایان می‌کند. نظام رفاهی پست‌مدرن به تدوین اصولی می‌پردازد که تأمین‌کننده اصل تعهد به رهایی، اصل تفاوت و اصل همبستگی و نفی ذات‌گرایی، ساختارگرایی در سیاست‌گذاری اجتماعی باشد. از سوی دیگر در مکتب اسلام، شاهد وجود سنت حسنه وقف هستیم که از نظر نویسندگان این نوشتار، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که علاوه بر تأمین پیامدها و اهداف مورد انتظار از اصول نظام‌های رفاهی پست‌مدرن، از کاستی‌ها و ابهامات این اصول نیز مبری است. از این‌رو، در این مقاله با استفاده از روش مقایسه‌ای تطبیقی به بررسی اصول سیاست اجتماعی پست‌مدرن که برخاسته از نفی و نقد اصول سیاست اجتماعی مدرن است، به تطبیق این اصول با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های وقف پرداخته می‌شود و بر این اساس، اثبات می‌شود که وقف، می‌تواند یکی از بدیل‌های سیاست اجتماعی پست‌مدرن باشد و فراتر از تنگناها و ابهامات نظری و عملی نظام پست‌مدرن قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

سیاست اجتماعی پست‌مدرن، رفاه اجتماعی، وقف.

* کارشناسی ارشد پژوهش دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء 3 fatemehamooabdollahi@yahoo.com

haji@aut.ac.ir

** دکتری فلسفه و کلام دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مقدمه

در عصر کنونی به سبب تحول چشمگیر مبانی شناخت و ظهور اولویت‌های جدید برای نیازهای بشری، نظریه‌های اجتماعی و سیاسی با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی عصر حاضر، به تحول گسترده و بنیادین مفاهیم، انجامیده است. با وجود این تحولات، متفکرین در تبیین پدیده‌های دنیای امروز، چارچوب‌های فکری سنتی و مدرن را متزلزل می‌دانند. جهان‌آشنای قبلی، رو به زوال است و این امر احساسات گوناگونی از قبیل: ناامنی، شکست، به هم خوردن تعادل و... را برانگیخته است که به ظهور نظریات انتقادی منجر گردیده است. در تبیین شرایط جدید در چند دهه اخیر، دیدگاه فلسفی و اجتماعی نوینی در آثار متفکران مطرح شده است که از آن به پست‌مدرنیسم یاد کرده‌اند. این دیدگاه همچنان که در قلمروهای مختلفی چون فلسفه، سیاست، هنر، فرهنگ و علوم اجتماعی مسائل و مباحث تازه‌ای را برانگیخته، در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی و رفاه نیز پرسش‌ها و نگرش‌های جدیدی را به میان آورده است.

سال‌های اخیر در کشورهای پیشرفته مناقشات زیادی بر سر ناکارآمدی نظام‌های رفاهی مدرن در برابر شرایط جدید دنیای کنونی صورت گرفته است و موج اعتراضات و انتقادات به این نظام‌ها، به شکل‌گیری نظام‌های انتقادی انجامیده است. پست‌مدرنیسم از مهم‌ترین این جریانات است که از اواخر دهه بیستم، راه خود را در سیاست‌گذاری اجتماعی باز کرده است. البته باید اذعان داشت، پست‌مدرنیسم در سیاست اجتماعی دارای دیدگاه‌های مشخص و نظریات مدونی نمی‌باشند اما این نوع اندیشه با نقد برخی اصول سیاست اجتماعی مدرن، منجر به ایجاد بازاندیشی و بازتعریف برخی سیاست‌های اجتماعی شده است. پست‌مدرنیسم، بعد از شکست پروژه‌های انسان‌مدار مدرنیته و وعده‌های بهشت زمینی بدون خدای آن، به نفی و نقد خرد و عقلانیت مدرن می‌پردازد و می‌توان گفت، که با درک و فهم این ناتوانی مرحله‌ای از بسط و تکامل اندیشه انسانی را پیموده است اما بررسی آراء متعدد و متنوع این جریان، نشان از نوعی سردرگمی و حیرت در یافتن راه نجات و سعادت دارد. بنابراین با وجود ابهامات و اغتشاشات نظری و عملی بسیار، نتوانسته است جایگزین مناسبی برای آنچه به نقد آن پرداخته است، فراهم نماید. از سوی دیگر، پست‌مدرنیسم، دین و تعالیم وحیانی را به‌عنوان روایت‌های کلان نفی و نقد می‌کند و هیچ

بنیان مستحکمی برای بنایی که در صدد ساخت آن است را در نظر ندارد. این مقاله بر آن است، آنچه را که به‌طور مبهم و گاه غیرعملی در نظام رفاهی پست‌مدرن، مدنظر است، به خوبی در سنت وقف قابل دستیابی است و بخش مهمی از آنچه پست‌مدرنیسم با انتقاد از شرایط مدرن به دنبال تحقق آن است را می‌توان در آموزه وقف یافت. از این‌رو، بعد از بررسی سیاست اجتماعی پست‌مدرن، به انطباق اصول این نظام با سنت وقف پرداخته می‌شود.

در واقع با بهره‌مندی از روش مطالعات تطبیقی به بررسی سیاست اجتماعی پست‌مدرن و سنت وقف خواهیم پرداخت. در بهره‌گیری از این روش باید به دو نکته توجه داشت: نخست، اگر دو پدیده مورد مقایسه، مقایسه‌پذیر و تطبیق‌پذیر باشند، با هم کاملاً بیگانه یا کاملاً مشابه نباشند و حداقل دارای یک وجه اشتراک باشند. دوم، آنکه باید به‌طور دقیق، معین شود چه عوامل و متغیرهایی را در دو پدیده با هم مقایسه می‌کنیم.

بنابراین، این پرسش قابل طرح است که آیا می‌توان وقف را به‌عنوان یک سیاست اجتماعی و در تطبیق با نظریات پست‌مدرن در رفاه اجتماعی، مورد بررسی قرار داد؟ در پاسخ به این سؤال، ضروری است به تعریف سیاست اجتماعی پرداخته شود، هر چند تعاریف ارائه‌شده برای سیاست اجتماعی در گذر از سنجش تحلیل‌ها و انتقادات، به محدود بودن و عدم جامعیت محکوم شده‌اند، اما می‌توان به تعریفی ابتدایی و کلی از آن نائل آمد و گفت؛ سیاست اجتماعی، مجموعه‌ای است از اقدامات و مداخلات هدفمند دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی با هدف افزایش ظرفیت‌های اجتماعی لازم برای توسعه اقتصادی و ارتقا و حفظ زندگی، بدون آنکه ارزش‌های ذاتی و غایات اجتماعی خدشه‌دار شوند (معینی، ۱۳۸۳). بر اساس این تعریف، وقف، نهادی خصوصی (غیردولتی) در اقتصاد اسلامی است که در آن مالکیت خصوصی به نوعی مالکیت عمومی تبدیل می‌شود و با ایجاد مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و... که علاوه بر تأثیر در توسعه اقتصادی، در تحقق عدالت اجتماعی نیز موثر می‌باشد (عرب، ۱۳۸۵). موقوفات، به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های اقتصادی - فرهنگی جامعه توانسته‌اند بسیاری از نیازهای مادی و معنوی جامعه به‌ویژه محرومان و مستمندان را برطرف کنند (فلاح، ۱۳۹۰). بدیهی است که در این صورت وقف، دارای نوعی آثار پیامدی مثبت خواهد بود که برای گسترش رفاه

عمومی و بالابردن کارایی اقتصادی بسیار ارزشمند است (کانلی و مانرو^۱، ۱۹۹۹: ۳۷). وقف، فراهم کردن چارچوبی اساسی برای مشارکت مردم در امور اجتماعی است؛ بدین معنا که تصمیم یک فرد برای ایجاد نهادها و انجام اعمال عام‌المنفعه را به وجود می‌آورد و البته با توجه به موقوفات انجام‌شده و احکام ارائه‌شده برای آن، شخص واقف در نوع موقوفات خود، دارای آزادی و ابتکار عمل زیادی می‌باشد. بنابراین، می‌توان وقف را در قالب نوعی سیاست اجتماعی قرار داد و بنابراین قابلیت بررسی تطبیقی آن با اصول سیاست اجتماعی پست‌مدرن نیز وجود دارد.

مبانی مفهومی

تعریف وقف

وقف^۲ در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است (عمید: ۱۱۰۰). وقف که از جمله عبادات و از صدقات جاریه است در اصطلاح فقهی، عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است (تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است) (محقق حلی، ج ۱: ۳۴۳).

تسبیل، یعنی: در راه خدا قراردادن، نبی اکرم ﷺ فرمودند: «حَبَسَ الْأَصْلَ وَ سَبَّلَ التَّمَرَ» (علامه حلی: ۵۱۰) «اصل را حبس کن و منافعش را در راه خدا آزاد نما» (شیخ طوسی، ج ۳: ۲۸۶). ماده ۵۵ قانون مدنی وقف را این‌گونه تعریف می‌کند: «وقف، عبارت است از اینکه عین مال، حبس و منافع آن، تسبیل شود» (قانون مدنی، ۱۳۸۵).

وقف، عملی حقوقی است که به سبب آن شخص (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) عین مالی را از مالکیت خود خارج کرده، از هرگونه نقل و انتقال - اعم از نقل و انتقال‌های ارادی مانند: اقسام معاملات و نقل و انتقال‌های قهری مانند: توارث و سایر تصرفات به‌طور کامل مصون نگاه می‌دارد و منافع آن را در راه‌های خدا پسندانه و امور خیریه به‌طور دائم به جریان می‌اندازد تا افراد محدود و معین و یا نامحدود و غیرمعین به صورت بلاعوض از منافع بهره‌مند شوند (امینیان مدرس: ۱۳۸۱: ۲۹۶-۲۹۷).

1. Connoly & Manroe

2. Endowmen

وقف در سیمای اجرایی خود به دو صورت ظاهر می‌گردد:
 وقف خاص؛ وقفی که مختص دسته معین و خاصی باشد. مانند: وقف بر اولاد یا بر افراد و طبقه خاص از مردم؛
 وقف عام؛ وقفی است که مقصود از آن امور خیریه است و مخصوص دسته و طبقه معینی نیست. مانند: وقف بر فقرا، وقف بر طلاب و مدارس و مساجد، این نوع وقف، مقابل وقف خاص می‌باشد که مراد از آن حصر کردن و منحصر ساختن است.

وقف و اقسام آن

الف) وقف انتفاع: وقفی است که نظر واقف از وقف، تحصیل درآمد مادی نیست. مانند: وقف زمین ملکی برای احداث مسجد.
 ب) وقف منفعت: وقفی است که نظر واقف از وقف، تحصیل درآمد است تا در مصرف معینی هزینه شود. مانند: وقف مغازه یا مزرعه برای نگهداری و اداره مسجد یا مدرسه و... که می‌توان در صورت نیاز تبدیل به احسن یا عود و انفع از لحاظ درآمد مادی نمود ولی در وقف انتفاع نمی‌توان تبدیل نمود (واعظی، ۱۳۸۰)
 به لحاظ سرپرستی برداشت درآمدها و هزینه کردن منافع موقوفات، وقف یا به صورت عامه است که سرپرستی آن از اختیارات دولت اسلامی می‌باشد و یا به صورت خاصه است که واقف به هنگام وقف، فرد مشخصی را به عنوان موقوف علیه تعیین می‌کند (سلیمی فر، ۱۳۷۰). در ادیان الهی، مسئله وقف و صدقه جاریه، جایگاه خاصی داشته و در طول تاریخ ایران روند ویژه‌ای را طی کرده است

زمینه‌های وقف

از آنجا که معمولاً وقف در زمینه‌های مورد نیاز جامعه صورت می‌گیرد، امور خیریه وقفی را می‌توان به چهار بخش (اصیلی: ۱۳۷۳: ۱۰۸) تقسیم کرد:
 وقف در زمینه فرهنگی: به نیت بالابردن توان فرهنگی جامعه با تأسیس مدارس قدیمه، مدارس جدید، کمک هزینه تحصیلی طلاب و دانش آموزان، تهیه وسایل تحصیلی، وقف

کتاب و کتابخانه و انتشار کتاب از درآمد موقوفات.

وقف در زمینه بهداشتی: تأسیس بیمارستان‌ها، تیمارستان‌ها، و حمام‌ها.

وقف در زمینه اجتماعی و رفاهی: ایجاد کاروان‌سراها، پل‌ها، بازارها، آب‌انبارها،

قنات‌ها، کارخانه‌ها، توجه به یتیمان و فقرا.

وقف در زمینه مذهبی: ساختن مساجد، زیارتگاه‌ها.

باید توجه داشت که وقف‌هایی نیز در جهت حمایت از حیوانات و محیط‌زیست نیز

صورت گرفته است.

در حدیث نبوی آمده است: «اذا مات المؤمن، انقطع علمه الا من ثلاثه: ولد صالح يدعو

له و علم ینتفع به بعد موته و صدقه جاریه؛ وقتی انسان می‌میرد عملش قطع می‌شود به جز سه

چیز، فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند، علمی که دیگران از آن بهره‌برند و صدقه

جاری (وقف)». (نقل از: ملحقات عروۃ الوثقی، ج ۲: ۱۸۴). میل به تحقق آرمان‌های دور از

دسترس در زمان حیات، تشویق پیشوایان دینی به نیکی کردن و ادامه صدقه‌دادن و تقرب به

خدا، از انگیزه‌هایی است که اشخاص را به وقف کردن وامی‌دارد. در وقف‌نامه می‌توان به

مواردی برخورد کرد که شرحی از آرزوهای تحقق‌نیافته و گاه بلندپروازی‌ها و

خودنمایی‌هاست (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۱۱۹).

باید توجه داشت که وقف، برخاسته از نگاه معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دینی

می‌باشد. معرفت‌شناسی نظام اسلامی، معتقد است عقل مفهومی و عرفی مدرن، قادر به

کسب و شناخت حقیقت نیست اما از منظر اسلام، این به‌معنای رد عقلانیت و یا نفی

حقیقت نیست، بلکه تحت پوشش عقل قدسی و وحی، امکان دستیابی به حقیقت وجود

دارد. در این نگاه، غایت انسان پیشرفت و تکامل خطی مورد نظر دنیای مدرن نیست (اگر

چه پیشرفت و آبادانی دنیایی نیز نفی نمی‌شود و بلکه پیشرفت و ملزومات آن می‌تواند در

حیطه عبادات نیز قرار گیرد)، بلکه غایت انسان، رسیدن به مراتب بالای وجود و

حقیقه‌الحقایق است. انسان، موجودی مرکب از جسم و روح و مرتبه‌ای از وجود باری

تعالی است و آموزه‌های اسلام در پی آن است که بهره‌مندی انسان از مواهب دنیا، وی را

در مسیر کسب مراتب بالاتر و رسیدن به حقیقه‌الحقایق هدایت کند. در این نگاه، زندگی

دنیوی به عنوان مرتبه‌ای از مراتب کسب حقیقت نگریسته می‌شود. از این رو، هر شخص در مرتبه‌ای از درک حقیقت قرار دارد و وجود کثرت شناخت‌ها برای حقیقت واحدی است که در نظام اسلامی «خداوند» متعال است. بنابراین وقف برخاسته از نظامی است که به حقیقت، عینیت، وحدت و کل‌گرایی و عقلانیت معتقد است، اگر چه نه به معنای مدرن آن.

سیاست اجتماعی پست مدرن

پست مدرنیسم در سیاست اجتماعی را می‌توان جزء نظریه‌های انتقادی قرار داد. اصول سیاست اجتماعی پست مدرن در واقع چالش‌های این ایده‌ها با اصول سیاست اجتماعی مدرن می‌باشد. نظریات پست مدرن در دهه ۱۹۹۰ وارد حوزه سیاست اجتماعی شده‌اند و نفوذ خود را بر نظام‌های رفاهی جهان کم‌وبیش اعمال کرده‌اند (همتی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). پست مدرنیسم در یک دوره زمانی مناسب، از طریق مبارزه با تصورات و خط‌مشی‌های سنتی وارد صحنه شد، تحت فشارهای سیاسی و تحلیلی قرار گرفت، روش‌های مفیدی برای بازنگری در عقل‌گرایی و بازسازی سیاست‌ها مطرح کرد و در نتیجه در همه حوزه‌ها، موضوع اصلی سیاست اجتماعی شد. امروزه پست مدرنیسم به عنوان رویکردی مورد توجه، بحث‌ها و تحلیل‌های زیادی را برانگیخته است.

البته درباره شیوه ورود این ایده‌ها به سیاست اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد. جان کارتر (۱۹۹۹) برای بررسی این مسئله به تحلیل مفهومی مقالات متعدد و کتاب‌های مرجع پرداخت و در توضیح اقدام خود چنین می‌گوید:

ارزیابی دلایل ورود نظریه‌های پست مدرن به عرصه سیاست اجتماعی، مستلزم بررسی مقالات و کتاب‌هایی بود که به تحلیل این مسئله پرداخته‌اند... روش کار برای تهیه مطالب، جمع‌آوری اسامی و اصطلاحاتی بود که می‌توانستند شاخص سیاست اجتماعی پست مدرن باشند. از این رو، از نشریه‌های معتبر کشورهای مختلف استفاده شد که حاوی مقالات جدید درباره سیاست اجتماعی معاصر بودند. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که این نوع بررسی می‌تواند یک مطالعه روشمند بسیار وسیع باشد اما فشرده‌ای از شواهد و مدارک موجود را در اختیار پژوهشگر

قرار می‌دهد. بررسی مقالات و کتاب‌های منتشر شده در ۱۹۹۰، به وضوح نشان می‌دهد که برخی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی و اجتماعی در سطحی گسترده تحت تأثیر دیدگاه‌های پست‌مدرن قرار گرفته‌اند. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از سیاست‌های اجتماعی جدید هنوز متأثر از روش مدرن هستند و بنابراین نمی‌توان مرزی انعطاف‌ناپذیر بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم ترسیم کرد و نقطه مشخصی را به‌عنوان آغاز تحولات سیاسی اجتماعی عصر جدید دانست و بسیاری از موضوعاتی که با اصطلاح «پست‌مدرن» توضیح داده می‌شود، در واقع الگوهای بازسازی شده و از نو تدوین شده مدرنیسم‌اند (Carter, 1998: 1-2).

ایده‌های پست‌مدرن در علوم اجتماعی و فراتر از آن بسیار تأثیرگذار بوده است. با این وجود، تأثیرش در مطالعه سیاست‌های اجتماعی حداقل بوده است. کرافت و برسفورد^۱ (۱۹۹۸) بر این اعتقادند، ظهور جنبش‌های جدید افراد معلول، افراد مبتلا به یادگیری مشکلات، بازماندگان سیستم روانی و افراد مسن و ... عامل مهم و کلیدی در توسعه رفاه مدرن بوده است و همچنان در حال توسعه دادن نقدها، نظریه‌ها، دانش، اهداف، راهبردها و طرق سازمان‌دهی‌هایشان هستند. طرد گسترده‌ای که این گروه تجربه کرده است در بحث پست‌مدرن خود را منعکس کرده است. کرافت و برسفورد معتقدند بین جنبش افراد معلول و گسترش رفاه پست‌مدرن رابطه وجود دارد (ibid.: 103). بنابراین می‌توان گفت با سر برآوردن و اعلام حضور افرادی با ویژگی‌های متمایز که طبعاً نیازهای متفاوتی نیز داشتند، نظام‌های رفاهی مدرن مورد انتقاد قرار گرفتند و بهره‌گیری از اندیشه‌های پست‌مدرن در سیاست‌گذاری اجتماعی مورد توجه قرار گرفت.

صاحب‌نظران این حوزه نظرات متفاوتی راجع به ارزش این اندیشه‌ها برای فهم جریان‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، دارند. عده‌ای مانند پنا^۲ و ابراین^۳ (۱۹۹۶) و فیتز پاتریک و میشر، پست‌مدرنیسم را مفیدی قلمداد می‌کنند و عده‌ایی مانند تایلور - گوبی^۴ (۱۹۹۴) با آن

1. Croft & Beresford

2. Sue Penna

3. Martin O'Brien

4. Taylor-Gooby

به شدت مخالف هستند. بیشترین تأثیر پست مدرنیسم از جانب نویسندگانی بوده است که به دنبال بسط یک بنیان نظری برای عمل اجتماعی و یا یک سیاست اجتماعی انتقادی هستند. این دسته را پست مدرنیست‌های «خوش‌بین» یا پست مدرنیست‌های «ضعیف» می‌نامند که به دنبال ترکیب عناصر پست مدرن با عناصر سیاست اجتماعی ساختاری و سیاست اجتماعی انتقادی هستند (لاوالت و پرات^۱: ۲۰۰۶: pp). لئونارد^۲ (۱۹۹۷) یکی از تأثیرگذارترین متن‌های سیاست اجتماعی انتقادی را نوشته است^۳. او در کتاب خود - رفاه پست مدرن^۴ - ضمن پرداختن به مباحث بنیادی نظام‌های مدرن و پست مدرن، به سوژه‌ها، فرهنگ، نهادها و سازمان‌ها، اقتصاد و سیاست در شرایط مدرن و پست مدرن نیز می‌پردازد و در نهایت به دنبال تجدید بنای نظام رفاهی است و توصیه مهم و اصلی خود را با اصطلاح «اتحاد تنوعات»^۵ - این اصطلاح را معادل اتحاد رنگین کمان^۶ نیز قرار می‌دهد - که بر شکل‌گیری سیاست‌هایی می‌انجامد که با مشارکت نهادها و افراد، تنوع و تفاوت‌ها به اندازه‌ی علایق معمول مورد توجه قرار می‌گیرد (لئونارد، ۱۹۹۷: ۱۷۷).

انکارهای نظری پست مدرنیسم در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی

همان‌طور که گفته شد، پست مدرنیسم به نقد و انکار بسیاری از وجوه اصلی فلسفه مدرن و به تبع آن ایدئولوژی‌های رفاهی مدرن پرداخت. نحوه‌ی شناخت و درک مسائل اجتماعی در نظام‌های رفاهی مدرن از عمده‌ترین حوزه‌هایی بود که تحت تأثیر انکارهای پست مدرنی، قرار گرفت که در ادامه به این نظرات در سیاست اجتماعی می‌پردازیم.

۱. انکار عقلانیت: عقلانیت‌گریزی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های پست مدرن است (کوپر و بارل^۷، ۱۹۸۸). بر این اساس، طرح مسئله، مبتنی بر رویکرد عقلایی صورت نمی‌گیرد بلکه

1. Lavalette & Pratt

2. Peter Leonard

3. <http://cafemotal.blogfa.com/post-8.aspx>

4. Postmodern Welfare : Reconstructing an Emancipatory Project ,1997

5. Confederation of diversities

6. Rainbow coalition

7. Cooper & Burrell

صرفاً به خواسته‌ها و منافع کانون‌های قدرت و گروه‌های فشار وابسته است. این دیدگاه به شدت بر جایگاه گروه‌های متنفذ و نقش آن‌ها در شکل‌گیری خط‌مشی تأکید می‌ورزند. چراکه به نظر برخی متفکران پست‌مدرن مانند فوکو، این شبکه‌های قدرت‌اند که فهم، دانش و گفتمان را تعیین می‌کنند؛ نه واقعیات و حقایق. از این‌رو، در شرایطی که رسیدگی به همه مسائل بخش عمومی ممکن نیست، سیاست‌گذاران مجبور به اولویت‌بندی این مسائل برای رسیدگی هستند و در اینجاست که کانون‌های قدرت در قالب ساختارها و نهادهای مختلف در این خصوص، نقش به‌سزایی دارند (بوسو، ۱۹۹۴: به نقل از الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷).

۲. انکار عینیت و حقیقت: از نظر پست‌مدرن‌ها حقیقت یا واقعیت عینی، خارج از محدوده زبان وجود ندارد و مفاهیم و معناها از طریق زبان ایجاد می‌شود و بر اساس گفتمان‌ها و روایت‌های مختلف تفسیر می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۹۱). بنابراین طبق این اصل پست‌مدرنیسم، مسئله عمومی که خط‌مشی برای حل آن وضع شود، عینیت ندارد؛ بلکه بنا بر تفسیرهای ذهنی خط‌مشی‌گذاران سیاست اجتماعی از آن، ممکن است از یک مسئله برداشت‌های متفاوتی شود. این ذهنیت‌گرایی به ایجاد تکثرگرایی در تعیین خط‌مشی منجر می‌شود (دابژینسکی^۱، ۱۹۹۷؛ به نقل از الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷). از آن‌رو که با ایجاد تعاریف چندگانه از مفاهیم، روش‌های تحقیق چندگانه، چارچوب‌های ارزشی گوناگون و تحلیل‌های مختلف خط‌مشی‌های متفاوتی ایجاد می‌شود و امکان وجود عینیت واحدی برای خط‌مشی را از بین می‌برد. در این شرایط، قضاوت در مورد خط‌مشی‌های مختلف بر اساس باورپذیری انجام می‌گیرد که منظور از آن توانایی پذیرش ذهنی نتایج و وسایل بر مبنای ساختارهای باورپذیری کاربران است نه صرفاً بر اساس منطق و داده (وایت^۲، ۱۹۹۴).

۳. انکار وحدت و کل‌گرایی: پست‌مدرنیسم، می‌کوشد تقریباً در تمام انواع فعالیت‌های فکری نشان دهد که آنچه دیگران یک واحد، مفهومی منفرد و تام پنداشته‌اند، یک کثرت است (کهون، ۱۳۸۱: ۱۵). از نظر لیوتار، دانش پسامدرن با نفی فرارویات و تأکید بر ناهمگنی

1. Dobuzinskis

2. White

بازهای زبانی گفتمان‌های علمی، حساسیت ما را به تفاوت‌ها پرورش می‌دهد و توان ما را در تحمل تفاوت‌ها و وفاق‌ناپذیری‌ها تقویت می‌کند (بست و کلنر، ۱۳۸۰). از نظر پست مدرنیسم، سیاست اجتماعی مدرن همواره جنبه فراگیری کامل داشته است؛ زیرا همواره اعتقادی پایه‌ای به وجود ماهیت فراگیر بشر و هدف‌های فراگیر انسانی وجود داشته است. سیاست اجتماعی همواره با مفهومی مقلوب از هویت اجتماعی و خدمات رفاهی همراه بوده است و برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های خود، افراد بشر را در واحدهای فراگیری قرار داده است و به جنبه‌های خاص و تمایزات آنان بی‌توجه بوده است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۳۵۴-۳۵۵). ویلیامز^۱ (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که مباحث ناظر بر سیاست اجتماعی همواره در جهت منافع گروه‌هایی بوده است که کنش مسلط داشته‌اند و مصادیق تقسیمات جدید اجتماعی، مدت‌هاست که مطرود و محروم مانده‌اند. اما در زمانه پست‌مدرن تمایزات اجتماعی جدید و تنوع ارزش‌ها و گروه‌های اجتماعی به وجود آمده، لذا سیاست‌گذاری‌های فراگیر برای رفاه را به صورت فزاینده‌ای منسوخ می‌کند. چالش اساسی پست‌مدرنیسم نیز با شیوه تفکر فراگیری است که جزء جدایی‌ناپذیر دولت‌های رفاهی قدیمی بورجی است. برای مثال، آن‌ها با این فرضیه مخالف‌اند که همه افراد واقع در مقوله‌ای معین مانند سالمندان، نیازهای مشابهی دارند که بر این اساس، یک دولت رفاهی فراگیر سعی در برطرف کردن این نیازها به‌طور یکسان، کند (گینزبورگ^۲، ۱۹۹۸: ۲۶۷).

به نظر دریدا، حواشی، متن اصلی را می‌سازند و برای فهم متن اصلی، ناچار باید از فهم حاشیه‌ای‌ترین امور آغاز کرد؛ بر این اساس، دریدا می‌کوشد با بهره‌گیری از روش ساختارشکن، آنچه را که به حاشیه رانده شده، به درون متن آورد و تحلیل کند. توجه به جزئیات و حواشی و رویه محسوس وقایع در افکار و آثار دیگر متفکران این دیدگاه نظیر فوکو هم وجود دارد (ضمیران، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۱۱). این موضوع به شدت فرایند شناخت و درک مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر اساس آن به مسائل حاشیه‌ایی که تاکنون به آن‌ها بها داده نشده اما می‌توانند علل اصلی بروز مسائل و مشکلات جدی‌تر شوند، پرداخته می‌شود.

1. Williams

2. Ginsburg

بر این اساس، سیاست گذاری پست مدرن توجه خود را به گروه‌های مطرود جامعه مانند همجنس‌بازان، و... معطوف می‌نماید.

از محدود اتفاق نظرها در مورد پست مدرنیسم، اجماع درباره این نکته است که پلورالیسم یا تکثرگرایی، بن‌مایه اصلی این دیدگاه است. سیاست اجتماعی در اندیشه پست مدرن این پیام را با خود دارد که رفاه اجتماعی، مستلزم به کارگیری انواع مختلف برنامه‌های بنیادین و تشخیص این واقعیت است که خدمات اجتماعی در نهایت امر، باید مجدداً حوزه‌های جدیدی را بازشناسی کند. این رویکرد بیشتر یک انقلاب فکری است. رویکردهای فکری - فرهنگی پست مدرن در خدمت مبارزه با آن دسته از نگرش‌های مدرنیسم قرار می‌گیرد که تمایل به قدرت، قشربندی و حفظ هویت در سیاست‌های اجتماعی را به طور ماندگار داراست. البته دیدگاه‌های پست مدرن دارای نکات قابل تأمل زیادی است، اما ابتدا لازم است که ساختارهای نظری و کاربردی خود را به صورت راهکارهای قابل اجرا نشان دهد؛ هر چند باید اذعان داشت که بحث‌های درون‌رشته‌ای مدرنیسم و پست مدرنیسم، موجب ارائه نظریه‌های کارکرد جدید سیاست اجتماعی شده است (کامکار، ۱۳۸۲).

اصول سیاست اجتماعی پست مدرن

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت پست مدرنیسم اصولی را برای سیاست اجتماعی فراهم می‌کند که بر اساس، دیدگاه‌های نظری نو، مستلزم بازسازی سیاست اجتماعی است. بر این اساس اصول سیاست گذاری پست مدرن را در چهار اصل اساسی: تعهد به رهایی، اصل تفاوت، اصل همبستگی و اصل نفی ذات‌گرایی، بنیادگرایی و ساختارگرایی تقسیم شده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

اصل تعهد به رهایی

پست مدرنیست‌ها، سلطه‌گری‌های مدرنیسم و تضاد با آزادی انسان را در مدرنیسم آشکار می‌کنند. آن‌ها معتقدند که سیاست اجتماعی باید در برگیرنده تدابیر متنوع و موثری باشد که نه قدرت و سلطه را پرورش دهد، نه بازدارنده مردم باشد. ساختار رفاه اجتماعی

مدرنیسم در برابر علایق گوناگون و تمایزات استفاده‌کنندگان از خدمات سد ایجاد می‌کند و حق انتخاب را از آنها می‌گیرد و از قدرت نهفته در دانش دفاع می‌کند. پست‌مدرنیسم به‌عنوان ندایی مخالف شرایط مدرن، الگوهای متفاوتی برای نظام اجتماعی معرفی می‌کند و سیاست‌هایی برای رفاه مردم پیشنهاد می‌کند که با تعهد به رهایی همراه است؛ تعهدی که صرفاً وابسته به تحلیل‌های نظری نباشد، بلکه با تأکید بر اقداماتی هوشمندانه، امید رهایی واقع‌بینانه را نوید دهد. آن‌ها به‌دنبال ایجاد شرایط مباحثه‌های داغ سیاسی و شورش و طغیان علیه شرایط بی‌ثبات مادی، فرهنگی و اجتماعی که انسان‌ها را در کشورهای جهان سوم به ذلت کشانده است، می‌باشند. از نظر آن‌ها ساختارهای سلطه‌گر و ناعادلانه صنعتی-تولیدی، با تکیه بر ابزارهای سرمایه‌داری و قدرت ناشی از آن، معنویت انسان را از میان برداشته و به تحقیر خصلت‌های انسانی انجامیده است (همتی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۵۹).

پست‌مدرنیسم معتقد است که ساختار رفاه اجتماعی مدرن، مبتنی بر طرحی کل‌نگر است که در نظامی سلطه‌گر و بزرگ به اجرا در می‌آید و در برابر علایق و تمایزات استفاده‌کنندگان از خدمات، سد ایجاد می‌کند و حق انتخاب را از آنها می‌گیرد. سازمان‌های گسترده رفاه اجتماعی در بطن خود این دیدگاه‌ها را پرورش می‌دهند و به اجرا در می‌آورند، درحالی‌که همه آن‌ها با رفاه اجتماعی تضاد دارند و بنابراین از نظر آن‌ها نمی‌توان نظامی یکسان و انعطاف‌ناپذیر برای بازسازی نظام رفاهی پیشنهاد داد (همان، ۲۶۰).

اصل تفاوت

پست‌مدرن، در کنار نیازهای اساسی و یا به عبارتی نیازهای ادامه‌بقا، به نیازهای دیگری اشاره دارد که می‌توان آن‌ها را نیازهای فرهنگی ویژه نامید که با هویت‌های متنوع و متفاوت انسانی پیوندی محکم دارد. افراد با توجه به خاستگاه نژادی و قومی خود نیازهای فرهنگی خاصی دارند که باید بتوانند آن‌ها را بیان کنند و مطمئن باشند که مورد توجه قرار می‌گیرند. سیاست اجتماعی پست‌مدرن در پی هم‌رنگ‌ساختن مردم از نژادها و قومیت‌های مختلف، نمی‌باشد؛ بلکه تأییدی بر ارزش تنوع و گوناگونی قومی و نژادی است. در سیاست اجتماعی مدرنیسم، زبانی واحد بر مجموعه نظام‌های اجتماعی و درمانی حاکم است و اصطلاحاتی مانند: بیماری، افسردگی، فشار روانی، نیازهای مادی و عاطفی و مانند

آن در مورد تمامی افراد با زبان و فرهنگ، جنسیت و... مختلف به یک شیوه استفاده می‌شود و این تفاوت‌ها، تغییری در شیوه برخورد ایجاد نمی‌کند و هر کسی باید با زبان و فرهنگ حاکم هم‌رنگ شود و پیش‌زمینه‌های متفاوت گروه بسیار متنوع مراجع و استفاده‌کنندگان از خدمات اهمیتی ندارد. اما در نگرش پست‌مدرنی، هر انسانی تجربه منحصر به فرد خود را دارد و با کلام و زبان خویش آن‌ها را بازگو می‌کند؛ در نتیجه، توجه به تفاوت موضوع گفت‌وگوها و تجربه‌ها و احترام گذاشتن به آن، مستلزم برقراری گفتمان تفسیری و روایتی در بین کارکنان نظام رفاهی و استفاده‌کنندگان از خدمات این نظام است و باید فضایی ایجاد شود که در آن تفاوت تجربه‌ها و فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته می‌شود (همان: ۲۶۱-۲۶۳).

اصل همبستگی

این اصل، بر احساس مسئولیت انسان‌ها در برابر یکدیگر با پذیرش منحصر به فرد بودن هر انسان تاکید دارد. وابستگی درونی متقابل همراه با احترام گذاشتن به فردیت‌ها. بنابراین، هر حرکت ایدئولوژیکی باید به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که به جای نفی هویت فردی، بر خودشیفتگی فردگرایانه‌ای غالب شود که در ذات فرهنگ سرمایه‌داری پنهان است. بنابراین در سیاست‌های رفاه اجتماعی باید راه گفتمان ایدئولوژیکی را باز گذاشت تا ضمن به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی، درباره مشکلات مشترک بحث و تبادل نظر شود (لئونارد، ۱۹۹۶: ۱۶۴-۱۶۶).

اصل نفی ذات‌گرایی، بنیادگرایی و ساختارگرایی:

سیاست اجتماعی پست‌مدرن در پی قطعیت و جزمیت و برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌باشد و اعتقاد به الگوی جهانی و تغییر یک‌جانبه بدون در نظر گرفتن نگرش‌های کسانی که مورد هدف این تغییرند، صرفاً بر نظریه‌های مدرنیسم حاکم بوده است. اما در پسامدرن، ذات‌گرایی، بنیادگرایی و ساختارگرایی در تمامی سطوح نفی می‌شود. اعتقاد به این اصل، باعث می‌شود که سیاست اجتماعی به معیارهای خویش متکی باشد و از دلایل محکمه‌پسند و روشنفکرانه و روابط تجربی مبانی نظری و وابستگی‌های مطلق‌گرا رها شود (همتی: ۳۲۰-۳۲۳).

انتقادات وارد بر سیاست اجتماعی پست‌مدرن

یکی از اصول پست‌مدرن، نفی عینیت است که اگر ما واقعیت عینی را رد کنیم یا امکان وجود آن را در نظر بگیریم، وجود جهان‌شمولی حقیقت، عدالت و برابری نیز رد می‌شود؛ در نتیجه، دیگر نمی‌توان از آن‌ها برای داوری دربارهٔ جوامع یا رویکردهای رفاه بهره برد. این مسئله آشکارا قواعد سیاست اجتماعی را به لرزه وامی‌دارد.

پسامدرنیسم، حاوی اندیشه‌هایی متهورانه و جالب است و نمی‌توان انتقاداتی که بر نظریات مدرن وارد کرده است و تحولی که در مفاهیم نوین ایجاد کرده است را نادیده گرفت، با وجود این از نظر برخی مفسران سیاست‌گذاری اجتماعی این اندیشه‌ها بیش از آنکه روشنگر باشند، ابهام‌آمیزند. پست‌مدرنیسم که در سیاست اجتماعی در آغاز راه خویش است، دارای زبانی است که در بسیاری از موارد جان‌فشارده و روشن نیست و نمی‌تواند پیام خود را به گونه‌ای انتقال دهد که برای گیرندگان پیام قابل فهم باشد (همتی، ۱۳۹۲: ۲۵۷).

از نظر سازمانی و تشکیلاتی نیز رفاه پست‌مدرن، به دنبال ایجاد سازمان‌هایی مشارکتی و جامعه‌محور و از ویژگی‌های آن‌ها محدودیت قوانین، بدون سلسله‌مراتب و با اولویت تشویق‌های هنجاری به جای تشویق‌های مادی و همچنین پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و قومی و با تقسیم کار محدود و وجود نقش‌های کلی و خلاقیت‌های خودجوش است. همان‌طور که این ویژگی‌ها نشان می‌دهد، این نمونه ایده‌آل، در واقع نمی‌تواند به‌طور کامل تحقق پیدا کند و اجرای این الگو در نظام‌های رفاهی باعث مشکلات زیادی خواهد شد (همان: ۲۷۰-۲۸۱).

از نقدهای دیگر بر این دیدگاه این است که با تأکید زیاد بر ویژگی‌های خاص، فراگیری تحت شعاع قرار می‌گیرد و واژگان انسان‌گرایانه کنار زده می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، دیدگاه‌های پست‌مدرن، بسیار متفاوت، متغیر، پراکنده، فاقد انسجام و یکپارچگی است و با اصطلاحات تفسیری و نامفهوم و شناخت بسیار اندک از معیارهای عملی، به بررسی نابرابری‌های واقعی و کشف راه‌حل مشکلات اجتماعی پرداخته‌اند (همان، ۳۱۳-۳۱۴). بنابراین فاقد کاربرد عملی می‌باشد. بر اساس نقدهای وارده بر مواضع

پست مدرن، این نظر وجود دارد که پست مدرنیسم نمی تواند پایه ای اساسی برای سیاست اجتماعی جدید در قرن ۲۱ باشد.

تایلور - گوبی، معتقد است پست مدرنیسم مجموعه ای از دیدگاه هایی است که در صدد منحرف کردن اذهان از جریان مداوم فقر و نابرابری است. آن ها معتقدند، بازار و ارزش های آن که اکنون بر دنیا مسلط شده اند، به ظهور مجدد گونه ای از شرایط و روابط اجتماعی منجر شده است که یادآور دوره ماقبل رفاه است. ظهور مجدد گذشته، شامل چیزهایی از قبیل: بازار خارج از کنترل و استثمار کاری کارگران و بازگشت از نظریه سیاست های فراگیر و جامعه شمول برای کاهش فقر است (تایلور-گوبی، ۱۹۹۴: ص ۴۴).

بررسی وقف بر اساس اصول سیاست اجتماعی پست مدرن

همان طور که در ابتدای این مقاله ذکر شد، خط مشی ها و اصول اندیشه سیاست اجتماعی پست مدرن در سیمای اجرایی، با وقف، قابل تطبیق بوده و از نظر ما قرابت دارند. به عبارت دیگر، بخشی از آنچه که پست مدرنیسم در سیاست اجتماعی خود به دنبال آن است، در وقف و پیامدهایش قابل دسترسی است. مقایسه تطبیقی این اصول در نهاد وقف با تکیه بر دو محور قابل بررسی است؛ محور اول، استناد به تاریخ و استفاده های تاریخی از وقف و محور دوم، پتانسیل های وقف در تحقق اصول مذکور می باشد که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت؛

اصل تعهد به رهایی: بر اساس توضیح داده شده، پست مدرنیسم، نظام های رفاه مدرن را برای سلطه بر مردم می داند و از این جهت آن را به چالش می کشد. بررسی این اصل، بر اساس محور تاریخی نشان می دهد که در طول تاریخ ایران، به ویژه، در دوران خلافت عباسیان در ایران که هرج و مرج بسیاری به وجود آمده بود و ظلم و ستم زیادی بر مردم روا داشته می شد، موقوفات گسترش زیادی پیدا کرد و مردم در جهت کاهش این استبدادها و از سوی دیگر در امان نگه داشتن اموال از تصرف توسط حکومت ها، اقدام به وقف می نمودند و در واقع وقف، پناهی در برابر هجوم ظلم و ستم و سلطه حاکمان بر مردم بوده است.

از سوی دیگر، مهم ترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی طی قرون گذشته، کارکرد

آموزشی و فرهنگی موقوفات بوده است. وقف به‌عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی، پشتوانه مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام که از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای موقوفات توانسته‌اند به مدارج عالی علمی برسند. مسلمانان از طریق مدارس دینی موقوفه توانسته‌اند بهترین شاهکارهای خود را به جهانیان معرفی کنند و علم و دانش آن‌ها از طریق اوقاف گسترش و رواج یافته است. بررسی‌های صورت گرفته در این باره نشان می‌دهد که برای مثال، در شهر تهران در دوران قاجار، موقوفات بسیاری برای حوزه‌های علمیه و به نسبت کمتر برای مکتب‌خانه‌ها صورت می‌گرفته است و در دوران پهلوی با توجه به آشنایی ایرانیان با مظاهر علوم جدید، این موقوفات در مورد احداث مدارس به سبک جدید نیز صورت می‌گرفت (شاه حسینی، ۱۳۸۹) که این موقوفات در ارتقای علمی و فرهنگی مردم نقش بسیاری داشته است.

اصل تعهد به رهایی با توجه به پتانسیل‌های وقف نیز قابل بررسی است؛ چراکه از بارزترین ویژگی‌های اجتماعی نظام وقف، طبقاتی نبودن آن است؛ بدین معنا که سنت وقف، همواره و برای همه اقشار جامعه قابل دسترس است و در انحصار یک طبقه خاص نبوده و نیست. نظام وقف، عبارت است از: چارچوب بنیادین مسئولیت‌های متقابل و همبستگی اجتماعی میان ثروتمندان و نیازمندان. نظام وقف، یکی از سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی و وسیله‌ای صلح‌آمیز برای توزیع مجدد درآمد بدون هرگونه اجبار و مداخله قدرت حاکمانه بوده و هست. این پتانسیل وقف، سیالیت و انعطاف‌پذیری بالایی را ایجاد خواهد کرد که بر اساس آن موقوفات در سیطره طبقه خاص و یا سیاست‌های انقبادی دولت قرار نخواهد گرفت و از سوی دیگر، وقف‌هایی که در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مانند: ساخت نهادهای فرهنگی متعدد (با توجه به زمینه فرهنگی اجتماعی ایران) همچون مساجد، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیس کتابخانه‌های عمومی انجام می‌گیرد، به برخورداری اقشار محروم جامعه از مزایای فرهنگی می‌انجامد که این خود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در پویایی و حیات فکری یک جامعه و در نتیجه عدم پذیرش سلطه داشته باشد.

باید توجه داشت که در فرهنگ دینی اسلامی، وقف معنوی بیش از وقف مادی تاکید

گردیده و مدام وقف معنوی بر وقف مادی ترجیح داده شده است. وقف معنوی به وقفی اطلاق می‌شود که از هیچ‌گونه ظاهر و جلوه‌های مادی برخوردار نیست و فقط بازده معنوی دارد. هر عمل خیری که باعث رشد ارزش‌های معنوی، اخلاقی و فکری در جامعه شود، وقف معنوی نیز بر آن صدق می‌کند؛ زیرا معنویت در جامعه با رشد همین ارزش‌هاست که رشد می‌کند و فقدان این ارزش‌ها در یک جامعه نیز نشانگر انحطاط آن جامعه است (جوادی، ۱۳۸۰).

اصل تفاوت: که از مهم‌ترین اصول سیاست اجتماعی پست‌مدرن است، در چالش با نظام رفاهی مدرنی است که در پی هم‌رنگی فرهنگی - اجتماعی انسانی‌هایی است که دارای تفاوت و تمایزات بارز فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشند. از بررسی این اصل در وقف چنین بر می‌آید که در سیر تاریخی این نهاد، موقوفات پیوسته متناسب با نیازهای اجتماعی به وجود آمده‌اند و واقفان با توجه به مقتضیات جامعه خویش، به وقف پرداخته‌اند. از این‌رو نهاد وقف، دارای انعطاف‌پذیری بسیار بالایی است و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان همسو با تغییرات زمان و مکان نشان‌دهنده تنوع و گستردگی کارکردهای وقف می‌باشد. در فقه شیعه برای وقف، مصرف خاصی تعریف نشده و برای هر عمل مشروعی، وقف صحیح است. از نظر فقهای شیعه، وقف برای غیرمسلمانان نیز جایز است و توجه به «غیر» است که این عمل را برجسته می‌کند. بررسی نمونه‌هایی که در موقوفات وجود دارد، توجه به حالت، مشکلات و مقتضیات خاص افراد به خوبی قابل مشاهده می‌باشد و هدف وقف که کمک به التیام دردها و ناراحتی‌های افراد مختلف می‌باشد، در آن‌ها بارز می‌باشد. برای مثال، موقوفاتی تأسیس شده که از درآمد آن ظروف سفالین تهیه شده و در اختیار خدمتکاران قرار گیرد که ظروف اربابان خود را شکسته‌اند و نگران‌اند و یا موقوفاتی است که به تهیه زیورآلات برای نوerosان که توانایی خرید آن را ندارند، می‌پرداختند.

در این مثال‌ها، توجه به نیازهایی شده است که شاید عمومیت چندانی ندارد و به نوعی فرع بر نیازهای عمومی باشد. توجه به مسائل حاشیه‌ای در پست‌مدرنیسم را نیز می‌توان جز این دسته قرار داد. و این توجه به حواشی در موقوفات، به کرات دیده شده است. موقوفه‌های عجیب و خاص که در کتابچه‌های موقوفات دیده شده است و یا در حال

حاضر ثبت شده است^۱، تأییدی بر این ادعاست که مثال‌هایی از این وقف‌های خاص را بیان می‌کنیم؛ یکی از وقف‌های جالب که می‌توان از آن نام برد، در لبنان وجود دارد. موقوفه‌ای که برای رفاه حال بیماران است. در این موقوفه که به سال‌ها قبل برمی‌گردد، واقف لبنانی این وقف، نام وقف خود را «وقف جمله» گذاشته است. بر اساس این وقف، در آمد حاصل از این موقوفه صرف این می‌شود که ۳ نفر استخدام شوند تا هر روز به شهر بروند، وارد بیمارستان شوند، بر بالین بیماران بنشینند و با آن‌ها درباره بیماری‌شان صحبت کنند. جمالتی که طبق وصیت موقوفه باید در این دیدار رد و بدل شود، جمالت مثبت و پرانرژی است که باعث می‌شود روحیه بیمار بالا برود.

توجه به حیوانات نیز در موقوفات، متعدد دیده شده است. برای مثال؛ در شهر بشرویه استان خراسان جنوبی دو وقف وجود دارد که قدمت آن به سال‌ها قبل بازمی‌گردد. وقف بند گربه‌ای، یکی از وقف‌های قدیمی و مجهول‌الهیویه است که در اثر گذر زمان وقف‌نامه آن گم شده است. این وقف از ۳۰۰ سال قبل شروع شده است و نشان از اهمیتی است که مردم به حقوق حیوانات می‌دادند. این وقف، زمینی است که صاحب اولیه‌اش آن را برای جلوگیری از آزار و اذیت گربه‌ها وقف کرده است. واقف این وقف، زمینش را صرف این کرده بود که اگر گربه‌ای گوشت خانه‌ای را برد، صاحب‌خانه در بشرویه، حق نداشت گربه را به دلیل ربودن گوشت مورد آزار قرار دهد و همین‌طور نمی‌توانست کسی را برای اینکه حواسش به گوشت نبوده، مورد مؤاخذه قرار دهد صاحب‌خانه تنها کاری که باید انجام می‌داد، این بود که برود در خانه واقف و هزینه گوشت را بگیرد. وقف دیگری که در بشرویه وجود دارد و بسیار جالب است، تله‌موش زنده‌گیر است. این تله‌موش که شبیه جعبه‌ای است که چهار در دارد اختراع یکی از مردم است، برای اینکه از کشته شدن موش‌ها جلوگیری کند. این وقف که متولی‌اش زنده نیست و قدمت آن به سال‌ها قبل برمی‌گردد، به این شکل است که این تله‌موش‌ها در محل تجمع موش‌ها گذاشته می‌شد تا آن‌ها بدون آسیب‌دیدگی در آن حبس شوند و بعد بدون اینکه کسی آن‌ها را بکشد یا از بین ببرد، در دل طبیعت رها شوند. این تله‌موش اختراعی در حال حاضر، در موزه نگهداری

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940424000544>

می‌شود و مردم هر ساله از آن دیدن می‌کنند.^۱

اصل همبستگی: از وقف، به‌عنوان یکی از مصادیق این اصل می‌توان نام برد. نظام وقف مبتنی بر چارچوب بنیادین مسئولیت‌های متقابل و همبستگی اجتماعی میان اقشار مختلف مردم در جامعه می‌باشد (سمعی‌نسب، ۱۳۸۷) و یکی از ارکان مهم تعریف این واژه، تعبیر آن به‌عنوان انفاق و احسان به دیگران است. همین امر است که ریشه و بستر همبستگی اجتماعی در جامعه است. از طرفی وقف با ایجاد روحیه تعاون و همراهی میان اقشار مختلف جامعه از ثروتمندان تا فقرا، سبب همبستگی اجتماعی می‌شود.

اصل نفی ساختارگرایی و ذات‌گرایی: گفته شد که این اصل، سیاست اجتماعی را از قید دلایل محکمه‌پسند و روابط تجربی مبانی نظری رها می‌سازد. در وقف هم ما شاهد این هستیم که شارع مقدس با باز گذاشتن دست واقف به او این امکان را داده است که در تمام زمینه‌هایی که تمایل دارد و از نظر واقف مورد نیاز افراد و یا حیوانات می‌باشد، به وقف مبادرت ورزد. و ارائه هیچ دلیلی برای انجام کارش ضروری نمی‌باشد. این آزادی، باعث شده که دولت نیز اجازه دخالت در این نهاد را نداشته باشد. البته این امکان وجود دارد که با ارائه پیشنهادهایی به واقفان یاری رسانده شود اما در نهایت، تصمیم، بر عهده واقف می‌باشد.

این بررسی نشان داد که وقف، می‌تواند به‌عنوان مصداقی از یک نظام رفاهی باشد، اما سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا انتقادات وارد بر سیاست‌گذاری پست‌مدرن نیز در مورد آن مصداق دارد؟

همان‌طور که در قسمت‌های پیشین گفته شد، نفی عینیت و حقیقت و به‌تبع آن، رد جهان‌شمولی عدالت و برابری از انتقاداتی است که نظام رفاهی پست‌مدرن را تهدید می‌کند، این در حالی است که سنت وقف، برآمده از نظامی است که علی‌رغم تأکید بر حقیقت و اصول جهان‌شمول بر مبنای فطرت بشری، توانسته است به تدوین سنتی منعطف و گفتمانی نائل آید که گامی مهم در ایجاد عدالت و برابری در اجتماع محسوب می‌شود. از سوی دیگر وقف، که با وجود انبوهی از پشتوانه‌های دستوری فقهی و داشتن نظامی مدون

۱. عبدالوهاب طرار، به کوشش ایرج افشار، کتابچه موقوفات یزد که طرار به نام حسین‌خان مراغه‌ای تألیف کرد.

و آزمون شده که همزمان با تغییرات مکانی و زمانی قابل ارتقا و اصلاح نیز می‌باشند، از ابهام موجود در سیاست‌های اجتماعی پست‌مدرنی که حتی در حیطه نظری دارای پیچیدگی و سردرگمی است، مبری است. گفته شد که عده‌ای بر این اعتقادند که پست‌مدرنیسم نیز در واقع سرمایه‌داری متأخر است که به شیوه‌ای جدید به دنبال توجیه وضع موجود می‌باشند و باز هم به ایجاد شکاف اجتماعی و بی‌عدالتی خواهد انجامید، پرواضح است که در وقف، این نقد نیز جایگاهی ندارد، از آن‌رو که وقف در کنار سایر ساز و کارهای اقتصادی اسلام می‌تواند بدون از بین بردن پویایی اقتصادی جامعه، فاصله طبقاتی را تنظیم نماید و حتی از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز به ارتقاء هر چه بیشتر افراد جامعه یاری رساند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، تلاش شد سنت حسنه وقف به‌عنوان یکی از اعمال عبادی و توصیه‌شده اسلام در مقایسه با اصول رفاه و سیاست اجتماعی پست‌مدرن مورد بررسی قرار گیرد. اما با وجود تفاوت‌هایی که بین اساس پست‌مدرنیسم و اسلام می‌باشد، به‌لحاظ کاربرد وقف، دارای ویژگی‌هایی است که نزدیکی زیادی با سیاست‌های اجتماعی پست‌مدرنی دارد و قادر به تأمین اصول مدنظر این نظام‌ها در حد اعلا می‌باشد. ضمن آنکه اگر این سنت، به‌عنوان مصداقی از یک نظام پست‌مدرنی در نظر گرفته شود، از بسیاری از انتقادات مهم وارد بر نظام رفاهی پست‌مدرن به دور است؛ سنتی که بدون رد حقیقت و معنا، توانسته است به صورت گفتمانی، راه ایجاد نیکی و کمک به دیگران را باز نماید. بدون توجیه وضع موجود، به دنبال ایجاد عدالت و برابری در تمامی زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است. وقف بدون رد وجود سرشت و فطرت انسانی، به گونه‌ای است که انسان را فقط محصور در نیازهای مشخص و معمول نمی‌کند و توجه به دیگری و نیازهای متفاوت را در خود جای داده است؛ سیاستی بدون ابهام و آزمون‌شده که نتایج و برکات آن بسیاری را بهره‌مند کرده است و نمی‌توان ابهام نظام‌های پست‌مدرن را به آن نسبت داد. در نتیجه با گسترش بیشتر این سنت و آشتی دادن جهانیان با وقف اسلامی، می‌توان از گزند ناکامی‌های سیاست‌های اجتماعی مدرن و سنتی که در سیاست‌های اجتماعی پست‌مدرن به

آن‌ها اشاره شده است، کاست و راهی بس فراخ‌تر از تنگناهای قانونی در کمک به نیازمندان هر جامعه را پیش پای توانمندان قرار داد. البته به کاربردن کلمات «نیازمندان» و «توانمندان» از آن‌روست که نیاز و توانمندی را به صورت کلی و نه فقط در حوزه اقتصادی در بر دارد؛ نیازهایی که می‌توانند مالی، فرهنگی، عاطفی - حمایتی و ... باشند و با این وجود توانمندی نیز محدود به داشتن تمکن مالی نخواهد بود. بنابراین هر کس با هر شرایط و در هر جامعه‌ای می‌تواند از وقف، برای کمک به دیگران الگو بگیرد.

باید توجه داشت که اگرچه پست‌مدرنیسم به حق، به نفی و انتقاد از تکیه بر خرد خودبنیاد و علم بشری در رسیدن به حقیقت مطلق پرداخته است اما با رد و قطع ریشه‌های وحیانی تعالیم دینی به‌عنوان فراروایت و نداشتن بنیانی مستحکم، به دور باطلی دچار شده است که در راه‌گشایی بشر به سوی نجات، به حیرت و یأس مبتلا شده است. اما نباید فراموش کرد که شرایط پست‌مدرن با تأکید و اهمیتی که به تفاوت‌ها و سنت‌ها می‌دهد، فرصتی برای شناساندن و یادآوری دوباره تعالیم والای وحیانی و اسلامی را نیز فراهم می‌آورد. در جریان پست‌مدرن علاوه بر نقد نظام‌های مدرن، نگاهی به سنت‌ها و یا حسرتی بر گذشته وجود دارد. آن‌ها توجه به میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع را مهم می‌دانند و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سنت‌هایی که در روزگار مدرن، فاقد اعتبار بودند در دنیای پست‌مدرن می‌تواند جایگاه خود را داشته باشد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۳۳۵). همچنین از حدود سه تا چهار دهه قبل موجی از گرایش جوانان غربی به ادیان شرقی، مسئله بازگشت به دیانت را مطرح نمود. هم‌چنین مسئله مراقبه و شبه‌عرفان‌های طبیعت‌گرایانه که در سطح جهانی تبدیل به کسب و کار فوق‌العاده‌ای شده است، نیز نشان می‌دهد به‌طور مشخص در ساختار فکری، فرهنگی و نمادین، تحولی رخ داده که امکان ظهور شکل دیگری از فهم، رفتار و احساس نسبت به جهان را مهیا کرده است (کچویان، ۱۳۸۵). بنابراین با بهره‌برداری صحیح از این شرایط، می‌توان گام‌های مهمی در جهت تبلیغ موثر دین به‌ویژه دین مبین اسلام و ارائه راه‌کارهای مناسب با تکیه بر تعالیم وحیانی برداشت.

کتابنامه

۱. الوانی، سیدمهدی و محمدحسین هاشمیان (۱۳۸۷)، «بازخوانی دانش سیاست گذاری در زمینه پست مدرنیسم: شکل گیری خط مشی در عصر پست مدرن»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، صص ۹۹-۱۲۲.
۲. امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱)، وقف ازدیدگاه حقوق و قوانین، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، سمت.
۳. بست، استیفن و داگلاس کلنر (۱۳۸۰)، «لیوتار و بازی پسامدرن»، ترجمه: فرزانه سجودی، مجله زیباشناخت، ش ۵.
۴. بلیک مور، کن (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه: اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
۵. بودریار، ژان (۱۳۸۴)، آمریکا، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۶. پاتریک، تونی فیتز (۱۳۸۳)، نظریه های رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، گام نو.
۷. ترنر، بریان (۱۳۷۶)، «شرق شناسی، پست مدرنیسم و دین»، ترجمه: ناصر زعفرانچی، در: فرهنگ، ش ۲۴.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، «حکمت متعالیه صدر المتألهین»، تهران: خردنامه صدرا، ش ۱۵.
۹. _____ (بی تا)، شناخت شناسی در قرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ ق)، نهج الحق و کشف الصدق، با تصحیح: شیخ عین الله حسینی ارموی و با مقدمه رضا صدر، قم: دارالهجره.
۱۱. دهخدا (بی تا)، لغت نامه دهخدا، بی جا: بی نا.
۱۲. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۹)، «وقف آموزشی از دیدگاه جغرافیای فرهنگی»، مجله جغرافیا، ش ۲۴.

۱۴. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۴۶)، المبسوط، ج ۳، مطبعه سیدمحمد باقر.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۸)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. _____ (۱۳۶۳)، رساله التصویر و التصدیق (ذیل الجوهر التضیید)، با اشراف: محسن بیدارفر، قم: بیدار.
۱۷. طاهری سرتشیزی، اسحاق و احمد عزیزخانی (۱۳۹۰)، «انسان شناسی پست مدرن و نقد آن از منظر آموزه های دینی»، انسان پژوهی دینی، ش ۲۵.
۱۸. عرب، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «فرهنگ وقف و قشر بندی اجتماعی واقفان در شهرستان اراک»، میراث جاویدان، ش ۵۴.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۰. فلاح، ابراهیم (۱۳۹۰)، «نقش وقف در فقرزدایی از جامعه»، مجله میراث جاویدان، ش ۷۸.
۲۱. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵)، تاریخ فلسفه، ج ۷، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰)، حقوق مدنی: دوره عقود معین، عطایا، هبه، وقف، وصیت، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۳. _____ (۱۳۷۹)، «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن»، در: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۹۴-۷۱.
۲۴. کاشی پورمحمدی، علیرضا (۱۳۸۱)، «نقش وقف در توسعه اقتصادی اجتماعی»، قابل دسترس در سایت: www.jomhourieslam.com
۲۵. کامکار، مهدیس (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی چیست؟»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۰.
۲۶. کجوییان، حسین (۱۳۸۵)، «پست مدرنیسم و دین»، سخنرانی در انجمن جامعه شناسی، قابل دسترس در سایت انجمن.
۲۷. کهون، لارنس (۱۳۸۱)، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.
۲۸. گوهری، عباس و سیدمهدی بیابانکی (۱۳۸۸)، «جایگاه وجودی انسان در فلسفه صدرایی و سنت فلسفی - جامعه شناسی پست مدرن»، پژوهش های فلسفی، ش ۱۵.

۲۹. لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۱)، وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره‌ی دانش، ترجمه: کامران ساسانی، تهران: نشر نی.
۳۰. محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی (۱۴۰۹ ق)، شرایع الاسلام، ج ۱، چاپ چهارم.
۳۱. معینی، محمدرضا (۱۳۸۳) «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی»، در: فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، صص ۱۱۸-۱۳۰.
۳۲. موسوی، میرطاهر و محمدعلی محمدی (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: دانژه.
۳۳. نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته: بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی، تهران: نقش جهان.
۳۴. واعظی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، «نگاهی به جایگاه وقف در فرهنگ اسلام»، قابل دسترس در www.imamatjome.com.
۳۵. همتی، فریده (۱۳۹۰)، سیاست اجتماعی، نظریه کلاسیک، مدرن، پست‌مدرن و مطالعات مقایسه‌ای، تهران: جامعه‌شناسان.
36. Anderson, charls (1998), *The Postmodern Culture ed* ,Fontana press.
37. Baldock, John (2007), *social policy* Oxford university.
38. Baudrillard , Jean (1989), *America*, Verso.
39. Bosso, Christopher J (1994), “The practice and Study of Policy Formation” Encyclopedia of Policy Studies, 2nd ed. Stuart Nagel, ed., Marcell Decker.
40. Carter, john (1998), *Post modernity and the Fragmentation of Welfare*, New York.
41. Chouliaraki, Lilie and Norman Fairclough (2000), *Discourse in Late Modernity*.
42. Connoly,s. & Manroe, A (1999), *Economics of public sector*, Harlow, Prentice Hall.
43. Cooper, Robert & Gibson Burrell (1988), *Modernism, Postmodernism and Organizational Analysis: an Introduction*, Organization Studies, 9/1.
44. Croft, Suzy and Beresford, Peter (1998), “Postmodernity and the future of welfare: whose critiques, whose social policy?”, in *Post modernity and the Fragmentation of Welfare*, New York.

45. Dobuzinskis Laurent (1997), "Historical and Epistemological Trends in Public Administration", *Journal of Management History*, Vol 3, No4. Edinburgh: Edinburgh University Press.
46. Ginsburg, Norman(1998), "Postmodernity and Social Europe" in *Post modernity and the Fragmentation of Welfare*, New York.
47. Huntington, Samuel P (1996), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, New York, Simon & Schuster.
48. Nietzsche, Friedrich (1991), *The Joyful Science*, translate by W.Kaufman, New York: Norton.
49. Penna, Sue & O'Brien, Martin (1996), *Postmodernism and Social Policy: A Small Step Forwards?* *Journal of Social Policy* ,Volume 25 , Issue 01 ,January, pp 39-61.
50. Rorty, Richard (1982), *Consequences of pragmatism: Essays, 1972-1980*. U of Minnesota Press.
51. Rorty, Richard (1991), *Objectivity, relativism, and truth: philosophical papers*. Vol. 1. Cambridge University Press.
52. Rorty, Richard, (1998), *Truth and progress: Philosophical papers*. Vol. 3. Cambridge University Press.
53. Taylor -Gooby, Peter (1994), "Postmodernism and Social Policy: A Great Leap Backwards?" *Journal of Social Policy* , Volume 23, Issue 03, July, pp 385-404.
54. Taylor, Mark C (1992), *Reframing Postmodernism Shadow of Spirit Postmodernism And Religion*, Edited By Philla Berry And Andrew Wernick , London And Newyork: Routledge.
55. White, Louise G (1994), *Values, Ethics, and Standards in Policy Analysis*, Nagel, Stuart, ed. *Encyclopedia of Policy Studies*. New York: Marcel, Dekker.
56. Williams, F. (1992), "Somewhere over the rainbow: universality and diversity in social policy", in N. Manning and R. Page (eds) *Social Policy Review 4*, Nottingham: Social Policy Association.